

درنگی در منابع مکتوب الايضاح

سید محمد عمادی حائری

چکیده:

قاضی نعمان، محدث و فقیه اسماعیلی، از معاصران کلینی و صدوق است و به جهت همین قدمت، آثار حدیثی او شایان توجه جلوه می‌کند. وی کتاب مفصلی در فقه، بر پایه احادیث اهل بیت، با نام الايضاح، تألیف و تدوین نمود که متأسفانه تنها بخش اندکی از آن بر جای مانده است. قاضی نعمان در الايضاح از کتاب‌های پیشین نام می‌برد و از آنها نقل حدیث می‌کند. برخی از این آثار، از کتاب‌های معتبر شیعه است که اکنون موجود نیست. مقاله حاضر، حاصلی درنگی است در مهم‌ترین منابع مکتوب الايضاح. کلید واژه: قاضی نعمان، الايضاح، منابع مکتوب.

قاضی نعمان و فقه و حدیث اسماعیلیه

قاضی نعمان بن محمد بن حیون مغربی (م ۳۶۳ق، در مصر)، فقیه، محدث و دانشمند نامدار اسماعیلی، در استحکام شالوده عقاید اسماعیلیان فاطمی نقش برجسته‌ای داشته و در نزد اسماعیلیان همواره از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. نزدیکی به امامان / خلفای فاطمی، قاضی القضاتی دستگاه آنان، تألیف آثار بسیار و تدوین فقه اسماعیلی، همگی از زمینه‌های ویژگی جایگاه اوست.

قاضی نعمان در عرصه فقه و حدیث اسماعیلی، بی‌تردید، یک نقطه عطف است. گزارف نیست اگر بگوییم که فقه اسماعیلی با قاضی نعمان آغاز شد و با همو به پایان آمد. همین سخن را در باب منابع حدیث اسماعیلی نیز می‌توان تکرار کرد.^۱

۱. اساساً دید اسماعیلیه به نقد و بررسی سنتی حدیث چندان مثبت نیست و با نظرگاه سایر فرق اسلامی خوانایی ندارد. اسماعیلیان با اعتقاد به امام زنده زمان از سوی و نگاه تاویل‌گرا از دیگر سو، ظاهراً نیاز چندانی به نقد حدیث، بویژه از حیث

همان گونه که فرهاد دفتري گفته است، «قاضي نعمان از آنجا که معاصر چندتن از معروف‌ترين مراجع امامي قديم مانند كليني و ابن بابويه بوده است، تاليفات وي به حق از زمره قديم‌ترين تاليفات شيعه در زمينه فقه و حديث به شمار مي‌رود. و اين ممكن است روشنگر احترامی باشد که شيعيان اثني‌عشري نسل‌های مختلف برای وی قایل بوده‌اند»^۲.

شاید سبب اصلی این‌که برخی از علمای امامی متأخر او را «امامی» دانسته‌اند، همین توجه به آثار وی و اهمیت آنها باشد. گو این‌که آشنایی کامل با آثار قاضي نعمان و آگاهی از نقش تاریخی او در دستگاه اسماعیلی فاطمیان، تردیدی در نادرستی این گمان بر جای نمی‌نهد.^۳

درباره الايضاح

مهم‌ترین اثر قاضي نعمان در حوزه فقه و حديث، الايضاح است. این کتاب، یک دوره فقه مأثور است که بر پایه روایات معصومان، از امام صادق ع تا پیامبر اکرم ص، تدوین شده و همراه با توضیحات مؤلف در بررسی و تطبیق احکام با احادیث است. شاید کتاب من لا يحضره الفقيه قابل مقایسه‌ترین اثر در میان امامیه با الايضاح باشد.

الايضاح در ۲۲۰ باب و بیش از سه هزار صفحه تدوین شده بود. قاضي نعمان این کتاب را به دستور عبيدالله مهدي، نخستین خلیفه فاطمی (خلافت ۲۹۷ - ۳۲۲ق)، تألیف کرد و به احتمال قوی پس از سال ۳۱۲ق آن را به پایان رساند. وی بعدها به گزینش آن دست یازید و مختصر الايضاح را فراهم آورد. در دوره خلافت معز، خلیفه چهارم فاطمی (خلافت ۳۴۱ - ۳۶۵ق)، قاضي نعمان به تألیف و تدوین دهاتم الاسلام بر پایه الايضاح پرداخت. او در دهاتم به نقل قول مختار و حکم فقهی بسنده کرد و اسناد احادیث را حذف نمود. قاضي نعمان پس از آن به تلخیص دهاتم (اختصار الآثار) نیز دست زد.^۴ از میان رفتن الايضاح و نسخه‌های آن، می‌تواند با تدوین و رواج دهاتم الاسلام - که چکیده الايضاح است - در پیوند باشد و نشانگر از رونق افتادن متن بلند و اجتهادی الايضاح با تألیف دهاتم.

متأسفانه الايضاح بر جای نمانده و تنها بخش کوتاهی از آن (شامل بخشی از «کتاب الصلاة») در صورت یک نسخه خطی منحصر به فرد باقی مانده است. این نسخه خطی پیش‌تر در اختیار یکی

« سند نمی‌دیدند. ناصر خسرو قبادیانی (م ۴۸۱ق)، حجت و متکلم اسماعیلی، می‌گوید:

بر حسدنا مباش فتنه بر سخته ستان سخن به شاهین

و:

ای کرده تو را فتنه اهل باطل بر حدثنا عن فلان و بهمان

(دیوان ناصر خسرو، ص ۵۱ و ۱۵۷).

قاضي نعمان در میان اسماعیلیان یک استثناست که آثار فقهی و حدیثی متعددی تألیف کرد، و یک تنه به تدوین مبانی نقلی اسماعیلیان فاطمی پرداخت. او در این راه، وامدار منابع امامی و بعضاً زیدی است.

۲. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۸۶-۲۸۷.

۳. ر. ک: قاضي نعمان و مذهب او ۴.

۴. الايضاح، مقدمه مصحح، ص ۳۹-۴۰.

از خانواده‌های اسماعیلی مذهب بوده، سپس به دانشگاه توپینگن آلمان انتقال یافته و بعدها دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی تصویری از آن را به ایران (کتابخانه‌آیه‌الله مرعشی نجفی - قم) آورده است.^۵ این تصویر مورد استفاده برخی از دانشمندان حدیث شناس قرار گرفته،^۶ از جمله دکتر مدرسی طباطبایی خود در کتاب تازه انتشارش (میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری) از آن بهره برده و بدان ارجاع داده است.^۷ در سال‌های اخیر، آقای محمّدکاظم رحمتی بخش برجای مانده‌ی الايضاح را بر اساس همین نسخه به چاپ رسانیده (میراث حدیث شیعه، دفتر دهم، ص ۳۵ - ۲۱۸) و با عام ساختن نفع آن، محققان حدیث شیعی را رهین همت خویش نموده است. نسخه متاخر الايضاح چندان صحیح و عاری از افتادگی‌ها و اغلاط نیست و چنین می‌نماید که همانند یک متن عادی استنساخ شده و دقتی که بایسته روایت و کتابت حدیث است در آن به کار نرفته، افزون بر آن که نسخه اساس آن هم گویا از این کاستی‌ها برکنار نبوده است.^۸ با این همه، وجود همین نسخه نیز بسیار مغتنم است.

الایضاح و کتابشناسی کهن شیعی

قاضی نعمان در الايضاح، بر خلاف دیگر آثارش، احادیث را به صورت مسند نقل کرده است؛ اما آنچه که به این کتاب اهمیتی دیگرگون می‌بخشد، آن است که قاضی نعمان در الايضاح تصریح می‌کند که احادیث را در کتاب‌های راویان از اهل بیت دیده و از آن کتاب‌ها نقل می‌نماید.^۹ وی در جای‌جای الايضاح از این کتاب‌ها نام می‌برد، به سند آن اشاره می‌کند و سپس به نقل حدیث می‌پردازد. این امر، تأییدی است بر این نکته که حدیث‌نامه‌های کهن، احادیث خود را از کتاب‌های پیشین برگرفته‌اند و سند نقل حدیث در آنها، در بسیاری موارد، سند نقل از کتاب است و نه نقل شفاهی روایات. بیشتر کتاب‌های معتمد - که عالمان متقدم شیعی مانند کلینی و صدوق احادیث کتب خود را از آن برگرفته‌اند - اینک موجود نیست، ولی در روزگار آنان به گونه مستقل موجود بوده است. اما شایان توجه است که قاضی نعمان آشکارا به نقل از کتاب‌های پیشین اشاره می‌کند و از آن کتاب‌ها نام می‌برد؛ حال آن که کلینی و صدوق تنها سند خود از کتاب را یاد کرده‌اند و به مؤلف و کتاب اشاره‌ای ننموده‌اند. گفتنی است که ظاهراً قاضی نعمان این کتاب‌ها را به صورت «وجاهه» و بر اساس نسخه مشهور در زمان و مکان خود به دست آورده و به نقل از آنها پرداخته است؛

۵. همان، ص ۵۹ و پانوش ۳ همان جا.

۶. همان، ص ۶۰، پانوش ۱.

۷. برای نمونه، ر. ک: میراث مکتوب شیعه در سه قرن نخستین هجری، ص ۴۲۷ - ۴۴۸.

۸. برای نمونه، ر. ک: الايضاح، ص ۶۶، پانوش ۲.

۹. ر. ک: همان، ص ۸۰، ۸۳، ۸۵، ۹۰، ۹۱، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۹، ۲۱۲. گاه می‌گوید که در کتاب‌های راویان اهل بیت مطلبی در باب موضوعی خاص ندیده است (ص ۱۸۸)، گاه نیز به اشتباه ناقلان اشاره می‌کند (ص ۸۳) و گاه با تعبیر «روی» به روایات ضعیف توجه می‌دهد (ص ۷۵ و ۷۹).

چرا که او اشاره‌ای به سند خود تا مؤلف کتاب نمی‌کند، مگر آن‌که تصوّر کنیم که وی در پایان الإيضاح مشیخه‌ای همانند مشیخه التهذیب آورده بوده که به جهت نقص نسخه به دست ما نرسیده است. اشاره روشن قاضی نعمان به نقل احادیث از کتاب‌های پیشین، راهی مطمئن برای بازسازی آن کتاب‌هاست. البته همین بهره را از سلسله اسناد احادیث کتاب‌هایی مانند الکافی می‌توان بُرد، اما بیشتر با «ظَن» و «گمان» هرچند که در بسیاری موارد این گمان‌ها قرین یقین خواهد بود. کتاب‌هایی که قاضی نعمان به نقل از آنها پرداخته، پیش و بیش از آن‌که مورد توجه یک فقیه و محدّث اسماعیلی - که برای نخستین بار به تدوین فقه برای اسماعیلیان می‌پردازد - باشد، مورد توجه و بهره‌وری محدّثان و فقیهان امامی بوده است. نوشتار پیش رو، حاصل درنگ و تأملی است در برخی از مهم‌ترین منابع قاضی نعمان در تألیف الإيضاح. ترتیب کتاب‌ها، بر اساس تقدّم زمانی تألیف آنهاست.

۱. کتاب القضايا (عبيدالله بن ابي رافع)

عبيدالله بن ابي رافع، دستيار و كاتب رسمي اميرمؤمنان عليه السلام بود و پس از شهادت آن حضرت، كاتب امام حسن مجتبي عليه السلام باقی ماند.^{۱۰}

وی^{۱۱} کتابی با نام کتاب السنن و الاحکام و القضايا داشته است.^{۱۲} شیخ طوسی از آن با عنوان «کتاب قضايا اميرالمؤمنين» یاد می‌کند که باید باب واپسین همان کتاب باشد.^{۱۳} بنا به اشاره نجاشی، این کتاب به گونه «مبوّب» روایت می‌شده است.^{۱۴} قاضی نعمان روایاتی از این کتاب با سند زیر نقل می‌کند:

● علی بن حسن بن حسین ← علی بن قاسم کندی ← محمد بن عبدالله (کذا، صحیح: عبيدالله) بن علی بن ابي رافع ← ابيه ← جدّه ← علی عليه السلام.^{۱۵}

البته این سلسله سند، بدین شکل، دچار اشتباه و اسقاط است که در کتاب‌های دیگر نیز سابقه دارد، و آن خلط عبيدالله بن علی بن ابي رافع با عمویش، به سبب نام مشترک، است.^{۱۶} در مواردی، قاضی نعمان به واسطه کتب محمد بن سلام بن سيار کوفی از کتاب القضايا، بدون

۱۰. ر. ک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۴۷-۴۹.

۱۱. نجاشی او را با نام «علی بن ابي رافع» معرفی می‌کند. برای نقد نوشته نجاشی، ر. ک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۵۱-۵۳.

۱۲. نجاشی این کتاب را به پدر وی (ابورافع) نسبت داده است. برای نقد گفته نجاشی، ر. ک: همان، ص ۴۷ و ۵۰.

۱۳. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۵۱.

۱۴. فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۶.

۱۵. الإيضاح، ص ۱۶۶ و ۱۹۴. در سلسله سند ص ۱۹۴ دو افتادگی هست که می‌باید با مطابقت با سلسله سند ص ۱۶۶ تصحیح و تکمیل شود.

۱۶. ر. ک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۵۲-۵۳.

تصریح به نام کتاب، نقل می‌نماید؛ با این سند:

● محمد بن سلام ← ابی جمیل ← [علی بن] حسن بن حسین ← علی بن قاسم کندی ← عبدالله بن علی بن ابی‌رافع ← ایه ← جدّه ← علی رضی الله عنه.^{۱۷}
از این سند پیداست که محمد بن سلام از کتاب القضا یا نقل می‌کند، اما چرا قاضی نعمان خود از اصل کتاب نقل نکرده؟ شاید در نسخه‌ای از کتاب که قاضی نعمان در اختیار داشته، این روایات نبوده است.

۲. کتاب القضا یا (حارث اعور)

حارث اعور (م ۵۶ق در کوفه) از اصحاب امام علی رضی الله عنه بود که به دانش بسیار در دین و فقه و علم حساب شهرت داشت. وی تا پایان عمر به عنوان یک هوادار وفادار امیرمؤمنان رضی الله عنه باقی ماند.^{۱۸}
به وی کتابی با عنوان «کتاب / صحیفه» نسبت داده شده است.^{۱۹} قاضی نعمان از کتابی با نام «کتاب القضا یا» روایتی را به دو سند زیر نقل می‌کند که سلسله سند آن به حارث اعور می‌پیوندد:

● محمد بن حسین بن حفص ← عبّاد بن یعقوب ← مخول بن ابراهیم نهدی ← اسرائیل بن یونس سبعی ← ابی اسحاق عمرو بن عبدالله سبعی ← حارث اعور ← علی رضی الله عنه.^{۲۰}
● ابی‌الحسین ← عبّاد بن یعقوب ← عمرو بن ثابت ← ابی اسحاق عمرو بن عبدالله سبعی ← حارث اعور ← علی رضی الله عنه.^{۲۱}

شاید این منقولات از همان کتاب / صحیفه حارث باشد. در خور توجه است که نجاشی روایت «ابی اسحاق از حارث» را طریقی از طُرُق روایت کتاب ابن‌ابی‌رافع نیز معرفی می‌کند.^{۲۲} مدرسی طباطبایی این را یک اشتباه می‌داند.^{۲۳} اما جای تأمل است که قاضی نعمان از این کتاب حارث اعور با عنوان «کتاب القضا یا» (عنوان کتاب ابن‌ابی‌رافع) نام می‌برد. این امر، می‌تواند تأییدی بر نوشته نجاشی باشد.^{۲۴} شایان یادآوری است که عبّاد بن یعقوب رواجی (م ۲۵۰ق) - که نام او در هر دو سلسله سند دیده می‌شود - خود مؤلف کتابی با نام «کتاب القضا یا» است که قاضی نعمان نیز از آن نقل می‌کند.^{۲۵} اگر مقصود از «کتاب القضا یا» در این دو سند یاد شده، همان کتاب عبّاد بن یعقوب باشد، بحثی که درباره کتاب حارث کرده‌ایم، بی‌وجه خواهد بود.

۱۷. الايضاح، ص ۱۷۰ - ۱۷۱. اشکال پیش‌گفته در این سند نیز دیده می‌شود.

۱۸. ر. ک: میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۷۱-۷۳.

۱۹. فهرست أسماء مصنفی الشیعة، ص ۱۳۹؛ میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۷۳.

۲۰. الايضاح، ص ۷۶.

۲۱. همان، ص ۱۳۸.

۲۲. فهرست أسماء مصنفی الشیعة، ص ۷.

۲۳. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۵۲ (پانوش ۹۳) و ص ۷۳-۷۴.

۲۴. نجاشی در فهرست أسماء مصنفی الشیعة (ص ۷) دو طریق برای کتاب ابن‌ابی‌رافع یاد می‌کند که در هیچ کدام، راوی نخستین از ابن‌ابی‌رافع نقل نمی‌نماید، بلکه مستقیماً از امام علی رضی الله عنه روایت می‌کند. اگر در صحت ضبط متن نجاشی تردید نکنیم، راویان نخستین این دو طریق باید کتاب ابن‌ابی‌رافع را بر امام عرض داده باشند و امام آن را تأیید کرده باشد.

۲۵. ر. ک: همین مقاله، ذیل مدخل کتاب القضا یا عبّاد بن یعقوب رواجی.

۳. کتاب المسائل (محمد بن مسلم)^{۲۶}

محمد بن مسلم ثقفی (م ۱۵۰ق) فقیهی سرشناس و از برجسته‌ترین راویان شیعی حدیث بود. او از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت می‌کند.^{۲۷} وی کتابی با نام اربعمئة مسألة فی ابواب الحلال و الحرام داشته است.^{۲۸}

قاضی نعمان از این کتاب با عنوان «المسائل» یاد کرده و روایاتی را به سند زیر از آن نقل نموده است:

● حسین بن علی بن حسن ← ابراهیم بن سلیمان ← اسماعیل ← علاء بن رزین ← محمد بن مسلم ← محمد باقر علیه السلام.^{۲۹}

مدرسی طباطبایی کتاب اربعمئة مسألة را همان متنی دانسته است که در الخصال صدوق آمده است.^{۳۰} در متن منقول در الخصال، ابویصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرانش تا امیرمؤمنان علیه السلام روایت می‌کنند.^{۳۱} اما متن مذکور در الخصال، کتاب اربعمئة مسألة نمی‌تواند باشد، چرا که متن مذکور به شیوه پرسش و پاسخ - که شیوه کتاب‌های «مسائل» بوده است - نیست؛ افزون بر آن که متن مذکور به موضوع «حلال و حرام» مربوط نمی‌شود. از سوی دیگر، به دو دلیل می‌توان گفت که کتابی که قاضی نعمان از آن با عنوان «مسائل» یاد کرده، همان اربعمئة مسألة است: نخست آن که همگی متن‌های منقول از این کتاب در الايضاح به شیوه «پرسش و پاسخ» و در موضوع «حلال و حرام» است، و دیگر آن که نجاشی «علاء بن رزین» را راوی کتاب اربعمئة مسألة از محمد بن مسلم معرفی می‌کند.^{۳۲} سند روایات منقول در الايضاح نیز چنین است.

۴. کتاب المسائل (محمد بن قیس بجلی)

محمد بن قیس بجلی کوفی (م ۱۵۱ق) از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت می‌کند.^{۳۳} وی صاحب کتابی با نام المسائل است.^{۳۴} قاضی نعمان روایاتی از این کتاب به سند زیر نقل می‌کند:

● احمد بن حسین ← عبّاد بن یعقوب ← عبید بن محمد بن قیس ← ابیه ← جعفر صادق علیه السلام.^{۳۵}

۲۶. درباره کتاب‌های «مسائل» محدثان قدیم شیعه، ر. ک: (کتاب مسائل در نگارش‌های حدیثی با تأکید بر مسائل علی بن جعفر) .

۲۷. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۲۰۹-۴۱۰.

۲۸. همان، ص ۴۱۰.

۲۹. الايضاح، ص ۸۸، ۱۱۸ (۲ روایت)، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۵۵.

۳۰. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۴۱۰.

۳۱. الخصال، ص ۶۱۰-۶۱۱.

۳۲. فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۲۴.

۳۳. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۴۱۰-۴۱۱.

۳۴. همان، ص ۴۱۲.

۳۵. الايضاح، ص ۱۷۹ (۲ روایت).

مدرسی طباطبایی به نقل از الرجال طوسی، این کتاب را دفتری از پرسش‌های محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام و پاسخ آنها از سوی امام معزفی می‌کند؛^{۳۶} اما بنا بر این سند وی به پرسش از امام صادق علیه السلام می‌پردازد.

۵. جامع الحلبي (عبيدالله بن علي الحلبي)

عبيدالله بن علي بن ابي شعبه الحلبي، از خاندان معروف شيعي ابي شعبه و از افراد برجسته جامعه شيعه كوفه در ميانه قرن دوم هجري است. او از امام صادق علیه السلام روايت می‌کند.^{۳۷}

وی مؤلف کتابی است که نخستین کتاب فقهی منظم (= مبوب) شيعه به شمار می‌آید. گفته شده که این کتاب بر امام صادق علیه السلام عرضه گردیده و امام از آن تمجید کرده و آن را تصحيح فرموده است.^{۳۸} از آنجا که عنوان «جامع» بر کتاب‌های مبوب در باب حلال و حرام اطلاق می‌شده است، کتاب مذکور باید همین کتاب «جامع» باشد.

قاضی نعمان همه جا از این کتاب با عنوان «جامع الحلبي» یاد می‌کند^{۳۹} و به گونه‌ای آشکار، میان این کتاب و «کتاب المسائل» که همه جا^{۴۰} از آن با عبارت «کتاب الحلبي المعروف بکتاب المسائل» نام برده^{۴۱} تمایز قایل می‌شود. اگر در صحت گفته قاضی نعمان تردید نکنیم، یکی پنداشتن «جامع حلبي» و «مسائل حلبي»^{۴۲} اشتباه خواهد بود. مدرسی طباطبایی عنوان «کتاب» را بر همین «جامع» اطلاق کرده است؛^{۴۳} اما چنان که گذشت، قاضی نعمان از «کتاب المسائل» به عنوان «کتاب الحلبي» یاد می‌کند.

این کتاب تا اوایل قرن پنجم موجود و منبعی معتبر در نزد شيعيان بوده است.^{۴۴} قاضی نعمان روایات بسیاری را از این کتاب نقل می‌کند؛ بی آن که به سند روايت آن اشاره کند. این می‌تواند بیانگر شهرت، رواج و تواتر این کتاب در روزگار او به عنوان یک اثر مستقل باشد. نقل‌های قاضی نعمان از «کتاب المسائل» حلبي نیز به همین شیوه (نقل از کتاب بدون اشاره به سند روايت کتاب) است.

۳۶. میراث مکتوب شيعه از سه قرن نخستین هجري، ص ۴۱۲.

۳۷. همان، ص ۵۵۷.

۳۸. همان.

۳۹. الايضاح، ص ۶۸، ۷۸ (۲ روايت)، ۸۵، ۹۱، ۹۸ (۳ روايت)، ۹۹، ۱۰۰ (۲ روايت)، ۱۰۱ (۲ روايت)، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹ (۲ روايت)، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸ (۲ روايت)، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۵۳ (۲ روايت)، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۱۲، ۲۱۷ (۲ روايت).

۴۰. جز در یک مورد (ص ۱۲۲) که به احتمال بسیار حاصل افتادگی در نسخه است.

۴۱. ر. ک. همین مقاله، ذیل مدخل کتاب المسائل (عبيدالله بن علي الحلبي).

۴۲. آن گونه که مصحح الايضاح (ص ۵۱) نوشته است.

۴۳. میراث مکتوب شيعه از سه قرن نخستین هجري، ص ۴۴۷.

۴۴. همان.

۶. کتاب المسائل (عبیدالله بن علی حلبی)

کتابی از مؤلف پیشین، که مجموعه‌ای از پرسش‌های فقهی مؤلف از امام صادق علیه السلام و پاسخ‌های آن از سوی امام بوده است. ۴۵

قاضی نعمان از این کتاب با عنوان «کتاب الحلبي المعروف بكتاب المسائل» یاد می‌کند و روایات بسیاری را از آن نقل می‌نماید. ۴۶

۷. کتاب المسائل (علی بن جعفر) ۴۷

علی عریضی (م ۲۱۰ یا ۲۲۰ق) فرزند بزرگوار امام جعفر صادق علیه السلام، مؤلف کتابی مشهور در حلال و حرام است. ۴۸ این کتاب، مجموعه‌ای است از پرسش‌های وی از برادرش امام موسی کاظم علیه السلام و پاسخ امام بدان پرسش‌ها، از این رو به «کتاب المسائل» شهرت دارد. این کتاب به دو گونه «غیرمیوَب» و «میوَب» روایت می‌شده است. ۴۹

قاضی نعمان به طریق زیر از این کتاب روایت می‌کند:

● حسین بن علی ← اَبیه ← علی بن جعفر ← موسی بن جعفر [علیه السلام] ← جعفر صادق علیه السلام. ۵۰

چنان‌که از این سلسله سند پیداست، در روایت قاضی نعمان، برخلاف نسخه / روایت‌های امامی کتاب، امام موسی کاظم علیه السلام تنها در نقش راوی از امام صادق علیه السلام ظاهر می‌شود، و این نمایشگر گرایش اسماعیلی قاضی نعمان است. حسین بن علی بن حسن معروف به «ابوعبدالله مصری» (م ۳۱۲ق) ۵۱ که در آغاز این سلسله سند دیده می‌شود - برادر حسن بن علی بن حسن معروف به «ناصر کبیر» (م ۳۰۴ق) ۵۲ است. با توجه به اقامت‌گزینی وی در مصر و قرابت زمانی وی با قاضی نعمان، وجود او در آغاز این سلسله سند در خور توجه است.

نام وی در آغاز سند روایت قاضی نعمان از کتاب المسائل (محمّد بن مسلم) نیز دیده می‌شود، ۵۳

۴۵. همان، ص ۴۲۸.

۴۶. الايضاح، ص ۷۲، ۷۴، ۸۰، ۸۴، ۸۹، ۹۱ (۲ روایت)، ۹۲، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۲ (۲ روایت)، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶.

۴۷. درباره مسائل علی بن جعفر و نسخه/روایت‌های مختلف آن، ر. ک: «کتاب مسائل در نگارش‌های حدیثی با تأکید بر مسائل علی بن جعفر».

۴۸. فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۵۲.

۴۹. همان.

۵۰. الايضاح، ص ۸۰، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۸، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۷ (۲ روایت)، ۲۱۲ (۲ روایت).

۵۱. ر. ک: فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۶۶.

۵۲. ر. ک: همان، ص ۵۷-۵۸.

۵۳. ر. ک: همین مقاله، ذیل مدخل کتاب المسائل (محمّد بن مسلم).

همین موجب شده که مصحح الايضاح به اشتباه تصور کند که قاضی نعمان به دو طریق از المسائل علی بن جعفر روایت می‌کند. ۵۴

در الايضاح روایات دیگری نیز از علی بن جعفر نقل شده، ولی نه از کتاب المسائل او، بلکه به نقل از کتاب النهی. موضوع همه این روایات، منہیات پیامبر اکرم ﷺ است. مؤلف کتاب النهی شناخته شده نیست، اما همه نقل‌هایی که از این کتاب در الايضاح آمده، روایات علی بن جعفر است؛ با این سند:

● حسن بن جعفر ← اسحاق بن موسی ← علی بن جعفر ← أخیه موسی بن جعفر [۵۳]
← أبیه ۵۵ جعفر بن محمد [۵۴] ← أبیه [۵۵] ← أبائه [۵۶].

۸. کتاب حماد بن عیسی (حماد بن عیسی)

حماد بن عیسی (م ۲۰۹ ق یا ۲۰۸ ق) از راویان امام صادق [۵۷] است. وی از امام کاظم [۵۸] و امام رضا [۵۹] نیز حدیث شنیده است. ۵۷ نجاشی، دست‌کم، دو کتاب به وی نسبت می‌دهد: کتاب الزکاة و کتاب الصلاة. ۵۸

قاضی نعمان همه جا از کتاب او با عنوانی که در بالا آورده‌ایم، یاد می‌کند. ۵۹ با توجه به آن‌که از الايضاح تنها بخشی از «کتاب الصلاة» در دست ماست، همه روایات منقول قاضی نعمان از کتاب حماد، در باب «صلاة» است. بیشتر این روایات، به نقل از حریر بن عبدالله است؛ با سند زیر:

● حماد بن عیسی ← حریر بن عبدالله ← زرارة بن اعین ← محمد باقر [۶۰].

در یک مورد، سند روایت به امام سجّاد [۶۱] می‌پیوندد:

● حماد بن عیسی ← حریر بن عبدالله ← زرارة بن اعین ← حسین بن مختار ←

ابی حمزة ← علی بن الحسین [۶۲]. ۶۰

روایات اندکی نیز هست که در آنها حماد از راویان دیگری، جز حریر، روایت می‌کند؛ به سلسله سندهای زیر:

۵۴. ر. ک: الايضاح، مقدمه مصحح، ص ۵۴.

۵۵. تنها در یک مورد (ص ۲۰۷) به جای «أبيه»، «جدّه» آمده است.

۵۶. الايضاح، ص ۵۴، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۹، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۷.

۵۷. فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۵۸. همان، ص ۱۴۲.

۵۹. الايضاح، ص ۶۷ (۲ روایت)، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۷ (۲ روایت)، ۷۸ (۳ روایت)، ۷۹، ۸۲، ۸۶ (۲ روایت)، ۸۷،

(۲ روایت)، ۸۸، ۹۱ (۲ روایت)، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰ (۲ روایت)، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۷،

۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۶ (۲ روایت)، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۶ (۲ روایت)، ۱۸۳ (۲ روایت)،

۱۸۵، ۱۸۶ (۲ روایت)، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳ (۳ روایت)، ۲۰۵، ۲۰۶ (۲ روایت)، ۲۰۷،

۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶.

۶۰. همان، ص ۲۰۳.

- حمّاد بن عیسی ← مخلّد بن حمزة ← محمّد بن مسلم ← محمّد باقر علیه السلام. ۶۱
- حمّاد بن عیسی ← محمّد بن عامر ← قاسم شیبانی ← جعفر صادق علیه السلام. ۶۲
- حمّاد بن عیسی ← عمر بن یزید ← جعفر صادق علیه السلام. ۶۳
- حمّاد بن عیسی ← ابراهیم بن عمر ← جعفر صادق علیه السلام. ۶۴

نجاشی درباره «کتاب الزکاة» حمّاد بن عیسی می‌گوید: «اکثره عن حریر و یسیر عن الرجال». ۶۵ با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌آید که گفته نجاشی در باب «کتاب الصلاة» حمّاد نیز صادق باشد. حریر بن عبدالله دو کتاب با عنوان «کتاب الصلاة» داشته که حمّاد راوی آنها بوده است. ۶۶ بنابراین، روایاتی که حمّاد در باب «صلاة» از حریر نقل می‌کند، باید برگرفته از کتاب حریر باشد.

۹. کتاب القضا یا (عباد بن یعقوب)

کتابی از عباد بن یعقوب رواجی (م ۲۵۰ق) است. قاضی نعمان به روایت محمّد بن سلام و احمد (محمّد) بن حسین خثعمی از این کتاب نقل می‌کند. برخی از روایات این کتاب باید برگرفته از کتاب القضا یا اثر محمّد بن قیس بجلي (م ۱۵۱ق) - که کتابی معروف بوده است - ۶۷ باشد. روایاتی که از کتاب بجلي گرفته شده، به امام محمّد باقر علیه السلام ختم می‌شود؛ بدین سند:

- محمّد بن سلام و احمد (محمّد) بن حسین ← عباد بن یعقوب ← عبید بن محمّد بن قیس ← ابیه [محمّد بن قیس] ← محمّد باقر علیه السلام. ۶۸

برخی دیگر از روایات، از کتاب محمّد بن قیس بجلي نیست؛ چرا که نام او در سلسله سند آنها جای ندارد. این روایات به امام جعفر صادق علیه السلام ختم می‌شود؛ بدین دو سند:

- احمد بن حسین ← عباد بن یعقوب ← حارث ← عمران ← جعفر صادق علیه السلام. ۶۹
 - احمد بن حسین ← عباد بن یعقوب ← سعید بن عمیر بن مسعدة ← جعفر صادق علیه السلام. ۷۰
- در سلسله سند روایاتی دیگر نیز نام حارث اعور دیده می‌شود، که می‌تواند برگرفته از کتاب القضا یا حارث باشد. این روایات به امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌پیوندد. به این روایات در ذیل مدخل کتاب القضا یا (حارث اعور) اشاره کرده‌ایم.

۶۱. همان، ص ۷۷.

۶۲. همان، ص ۷۸ (۲ روایت).

۶۳. همان، ص ۹۵.

۶۴. همان، ص ۱۷۶.

۶۵. فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۱۴۲.

۶۶. حیرات مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۳۰۲.

۶۷. همان، ص ۴۱۱-۴۱۲.

۶۸. الايضاح، ص ۸۶، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۴.

۶۹. همان، ص ۱۶۴.

۷۰. همان، ص ۱۷۳.

۱۰. الکتب الجعفریة (محمد بن محمد بن اشعث)

ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، از محدثان شیعی است. وی در مصر سکونت گزید^{۷۱} و تا سال ۳۵۰ در قید حیات بود.^{۷۲} قرابت مکانی و زمانی او با قاضی نعمان در خور توجه است.

محمد بن محمد بن اشعث، راوی کتاب الجعفریات از موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر (فرزند صاحب کتاب) است.^{۷۳} از همین روست که کتاب الجعفریات را «الأشعثیات» نیز خوانده‌اند. برخی از روایات الکتب الجعفریة - که قاضی نعمان نقل نموده - برگرفته از الجعفریات است؛ با سلسله سند زیر:

● محمد بن محمد بن اشعث ← موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر ← ابیه ← جدّه [ع] ← جعفر صادق [ع].^{۷۴}

قاضی نعمان روایات دیگری نیز از الکتب الجعفریة نقل می‌کند که با سلسله سند دیگر و به نقل از مشایخ دیگری است.^{۷۵} در میان این دسته از روایات، تنها یک روایت از امام جعفر صادق [ع] است.^{۷۶} از اینجا می‌توان دانست که الجعفریات و الکتب الجعفریة دو کتاب جداگانه‌اند که ابن اشعث راوی کتاب نخستین است و مؤلف کتاب دومین، کتابی که بیشتر روایات آن برگرفته از کتاب الجعفریات است که ابن اشعث راوی آن بوده است.

کتابنامه

- «الایضاح»، قاضی نعمان بن محمد بن حیون، تحقیق: محمدکاظم رحمتی، میراث حدیث شیعه (به کوشش: مهدی مهریزی - علی صدراپی خویی، قم: دارالحدیث، دفتر دهم، ص ۳۵ - ۲۱۸)، اول، ۱۳۸۲.
- تاریخ و عقاید اسماعیلیه، دکتر فرهاد دفتری، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران: فرزنان روز، دوم، ۱۳۷۶.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه - صدوق، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ق.

۷۱. فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۷۹.

۷۲. الايضاح، مقدّمه مصحح، ص ۴۹.

۷۳. فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۶ و ۴۱۰.

۷۴. الايضاح، ص ۶۸، ۶۹ (روایت ۲)، ۷۱، ۷۲، ۷۶ (روایت ۲)، ۸۹، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰ (۲ روایت)، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۳۰ (۲ روایت)، ۱۳۴، ۱۳۵ (۲ روایت)، ۱۳۶، ۱۳۷ (۲ روایت)، ۱۳۹، ۱۴۰ (۳ روایت)، ۱۴۱ (۲ روایت)، ۱۴۲ (۳ روایت)، ۱۴۴، ۱۴۵ (۲ روایت)، ۱۵۱ (۲ روایت)، ۱۵۲ (۳ روایت)، ۱۵۴، ۱۵۶ (۲ روایت)، ۱۵۷ (۴ روایت)، ۱۵۹ (۲ روایت)، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۱ (۲ روایت)، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴ (۲ روایت)، ۱۷۷ (۲ روایت)، ۱۸۰ (۲ روایت)، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۹ (۲ روایت)، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸.

۷۵. همان، ص ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۵۶، ۲۰۹، ۲۱۸ (۲ روایت).

۷۶. همان، ص ۲۰۹.

- دیوان ناصر خسرو، تصحیح: مجتبی مینوی - مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، اول، ۱۳۵۳.
- فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)، احمد بن علی النجاشی، تحقیق: السید موسی الشیبیری الزنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، هفتم، ۱۳۲۴ ق.
- «قاضی نعمان و مذهب او»، امیر جوان آراسته، اسماعیلیه (قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ص ۳۰۹ - ۳۵۵)، اول، ۱۳۸۰.
- «کتب مسائل در نگارش‌های حدیثی با تأکید بر مسائل علی بن جعفر»، احسان سرخه‌ای، علوم حدیث، پاییز - زمستان ۱۳۸۴.
- میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه سید علی قرائی - رسول جعفریان، قم: بی‌نا، اول، ۱۳۸۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی